

نویسنده و انواع نوشته در ادبیات کودک و نوجوان

مریم جلالی

به قول جین کارل «یک کتاب خوب به غرور و خود باوری کودک باهوش احترام می‌گذارد و تمام فردیت‌ها و ظرفیت‌های او را برای شدن، تکمیل می‌کند.» نوشتن برای کودک و نوجوان کار ساده‌ای نیست. کسانی که ذوق و توان نویسندگی دارند یقیناً در دوران کودکی کتاب‌های فراوانی خوانده‌اند. نویسنده‌ی کودک و نوجوان باید چشم‌ها و گوش‌هایش بیننده و شنونده‌ی دنیای این گروه باشد و گام به گام با مخاطب حرکت کند.

نویسندگان کودک و نوجوان

نویسندگان گروه کودک و نوجوان را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

- ۱ - نویسنده‌ای که با هدفی از پیش تعیین شده برای مخاطب کودک می‌نویسد.
- ۲ - نویسنده‌ای که نوشته‌هایش به شکل ناخودآگاه، جزو نوشته‌های مختص کودک و نوجوان قرار می‌گیرد.
- ۳ - نویسنده‌ای که خود کودک و نوجوان است و نوشتن را تجربه می‌کند.

به نظر می‌رسد کار برای نویسنده‌ی نوع اول بسیار دشوارتر از سایرین است. او اراده می‌کند تا برای کودک و نوجوان بنویسد لذا باید بتواند توجه مخاطب را جلب کند. کسب مهارت در این کار حرف نخست را می‌زند. افزایش تجربه و مرورذهنی دوران کودکی مهم‌ترین عامل موفقیت‌این گروه از نویسندگان است. بسیاری از این نویسندگان برای نیل به هدف از خود شروع کرده‌اند؛ برای مثال کارپنتر^۱ درباره‌ی یکی از نویسندگان مشهور به نام جی. ام. باری^۲ می‌نویسد او بزرگسالی است که با کودک کردن خویش، کودکان را در خود اسیر کرده است.

باربارا وال^۳ در کتاب صدای روایتگر نوشته است الکت^۴ برای این که بتواند دلچسب دختران بنویسد روحیه‌ی خود را دوباره تبدیل به یک دختر بچه کرده است (وال: ۱۹۹۱).

بنابراین نویسنده‌ی نوع اول باید احساسات کودک و نوجوان را چنان درک کند که گویی خود در این مقطع زندگی می‌کند.

تلاش نویسنده‌ی نوع دوم که تنها قصد دارد بنویسد در جلب توجه مخاطب نیست. در حقیقت کشش مخاطب به سوی او، بیش از کشش او به سوی مخاطب است و نوشته‌هایش از ناخودآگاه می‌جوشد.

نویسنده‌ی نوع سوم نیز خود کسی است که درحال تجربه کردن این دوره از زندگی است و طبعاً نوشته‌هایش بر اساس دایره‌ی تجربیات است که در این سن شکل می‌گیرد.

مسلم است هر متنی که مخاطب عام کودک و نوجوان داشته باشد در مجموعه نوشته‌های این گروه قرار می‌گیرد. لفظ «مخاطب عام» استثنائات موجود را از این جرگه خارج می‌کند. به یقین کودکانی هستند که با توجه به شرایط مطالعاتی و جوانب مختلف، به سراغ متونی می‌روند که از طبقه‌ی سنی آنان فراتر



است. با این تعبیر متون مطالعه شده توسط آنان جزو استثنائات به شمار آمده و از دایره‌ی نوشته‌های مختص گروه، خارج می‌شود.

ضرورت تعیین ژانر

نویسنده در آغاز نوشتن با همان چند سطر و یا صفحه‌ی نخستین به طور ضمنی به خواننده تفهیم می‌کند که نوع نوشته‌ی او چیست و خواننده نیز در می‌یابد که به چه میزان از متن انتظار داشته باشد و بر اساس این انتظار ساختمان نوشته را دنبال خواهد کرد.

لفظ ژانر، فرم‌های مختلف نوشتن را پوشش می‌دهد (دیویت: ۲۰۰۴). گاه تعیین انواع نوشته‌ها می‌تواند شاخص دقیقی برای تشخیص مناسبات اجتماعی یک دوره‌ی خاص زمانی باشد (گرس: ۱۹۸۵). نمونه‌ی این کاربرد در کتاب‌های تاریخ ادبیات مشهود است.

ضرورت تعیین نوع نوشته و ارتباط آن با مخاطب طرفداران بی‌شماری در جهان دارد؛ از نظر طرفداران این گروه نوع نوشته، سطح نوشته را تعیین می‌کند و از پیچیدگی متنی و دیربایی آن جلوگیری می‌کند (هاوکس: ۱۹۸۳). در مقابل کسانی هستند که با انجام این کار موافق نیستند؛ از نظر آنان دوره‌ی تقسیم بندی انواع نوشته گذشته است و تعیین ژانر، مربوط به دوره‌ی سنتی بوده و موجب کلیشه‌ای شدن نوع اثر می‌شود. این گروه ضمن تأکید بر نفی تعیین نوع، معتقدند که اگر نویسنده در کاربرد انواع نوشته به شکل سیال عمل کند و در محدودیت و مرزبندی قرار نگیرد نوشته، فرصت رشد و ترقی پیدا خواهد کرد. روشن است متونی که برای کودکان نوشته می‌شوند در شکل و فرم، ساختار و محتوا متفاوت‌اند و قابلیت‌های مختلفی در طبقه بندی شدن دارند. با تعیین نوع نوشته در حقیقت قاب مطلب توضیح داده می‌شود و نویسنده و خواننده هر دو جهت‌مند به سوی متن حرکت خواهند کرد.

تقسیم‌بندی انواع نوشته‌ها برای کودکان و نوجوانان امری اعتباری است و در حقیقت اشتراکات متنی سبب دسته‌بندی و یا تمایز متون از یکدیگر می‌گردد.

این دقت عمل در دسته بندی‌ها سبب شده است عده‌ای نوشته‌های مربوط به کودک نوجوان را در مجموعه‌ی مکاتب ادبی جهان بگنجانند؛ به عنوان نمونه، گروهی نوشته‌های مربوط پیش از قرن نوزدهم را دوره‌ی رمانتیسیم و قرن نوزدهم را رمانتیسیم و رئالیسم و نوشته‌های قرن بیستم به بعد را جزء دوره‌ی مدرنیسم ادبیات کودکان و نوجوانان خوانده‌اند (تی کر: ۲۰۰۲). نوشته‌های مختص کودک و نوجوان به اعتبار هدف، زبان، موضوع، قالب و حجم، قابل دسته‌بندی هستند:

به اعتبار زبان: علمی، ادبی، ساده، گفتاری، نوشتاری....

به اعتبار موضوع: دینی، تعلیمی، اخلاقی، آموزشی....

به اعتبار قالب: شعر، داستان، گزارش، نمایشنامه....

به اعتبار حجم: کوتاه، متوسط، بلند... (ذوالفقاری: ۱۳۸۲).

این نوشته‌ها را می‌توان در اشکال زیر معرفی کرد:

۱،۳،۳ به اعتبار مخاطب:

۱ - نوشته‌های کودکان گروه سنی الف، ب، ج.

۲ - نوشته‌های نوجوانان گروه سنی د و ه.

۳ - نوشته‌های دانش آموزی.

۲،۳،۳ به اعتبار سبک و سیاق نگارش:

۱ - واقع‌گرا.

۲ - غیر واقع‌گرا.

۳،۳،۳ به اعتبار فرم و شکل:

۱ - اندازه: کوتاه، متوسط، بلند.

۲ - قالب: نثر، نظم، دراماتیک.

۴،۳،۳ به اعتبار ساختار فنی نوشته:

۱ - نوشته‌های کهن و معاصر.

۲ - نوشته‌های متداول و غیر متداول.

۵،۳،۳ به اعتبار زبان نوشته:

۱ - ساده.

۲ - متوسط.

۳ - عالی.

متأسفانه به دلیل تلفیق اعتبارات فوق در نوشته‌های کودک و نوجوان، گاه در دسته بندی اولیه‌ی این متون، دچار مشکل می‌شویم.

در شورای کتاب کودک، نوشته‌های کودکان و نوجوانان به دو دسته‌ی خواندنی و ادبیات تقسیم شده است. در تعریف خواندنی‌ها آمده است: «به نوشته‌ها و کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که نویسنده یا پدید آورنده در آن‌ها از هدف خاص آموزشی و القایی و دادن آگاهی‌های ویژه پیروی می‌کند. طرح مطلب را از پیش در ذهن می‌پروراند، همه‌ی جوانب نوشته‌ی خود را در جهت هدف از پیش تعیین شده سبک سنگین می‌کند و به آن رنگ و پرداخت ویژه و مناسب هدف می‌دهد. اگر داستان باشد، شخصیت‌ها متناسب با هدف تغییر و تحول می‌یابند...» (سهراب مافی: ۱۳۷۲).

با کمی دقت در این تعریف، ضعف اولیه‌ی مطلب نمایان می‌شود. همان طور که صاحبان ادب می‌دانند فرم داستانی تحت هر شرایطی جزو ادبیات به شمار می‌آید. حال در ارزش پذیری می‌تواند جایگاه پست یا بلند را به خود اختصاص دهد. با تعریف شورا مرز بین ادبیات و خواندنی‌های کودک و نوجوان دقیق تعیین نمی‌شود و حتی شکسته می‌گردد زیرا ساختار داستان نیز در مجموعه‌ی خواندنی‌ها قرار می‌گیرد. سؤال دیگری که این‌جا مطرح است این است که آیا ادبیات جزو خواندنی‌ها محسوب نمی‌شود؟ تعبیر خواندنی‌ها به لحاظ منطقی تعریفی جامع است اما مانع نیست.

ثریا قزل‌ایاغ در بخش «تنوع موضوعی» کتابش می‌نویسد: «آنچه کودکان و نوجوانان می‌خوانند به دو حوزه‌ی کتاب‌های درسی و کمک درسی و غیردرسی تقسیم می‌شود. کتاب‌های درسی و کمک درسی در چهارچوب برنامه‌های مدون طراحی شده‌اند... کتاب‌های غیردرسی آثاری هستند که به پهنه‌ی علایق کودکان و نوجوانان میدان می‌دهند... باید در نظر داشت که هر آن‌چه کودکان شخصاً برای مطالعه‌ی آزاد بر می‌گزینند از ارزش‌های ادبی والایی برخوردار نیست و در این محدوده با خواندنی‌ها و شبه ادبیات هم روبه‌رو هستیم» (قزل‌ایاغ: ۱۳۸۵).

پولادی نیز در بخش «چارچوب‌های نظری در شناخت کتاب کودک» به شاهکارهای داستانی و کتاب‌های غیر داستانی در قرن نوزدهم اشاره می‌کند (پولادی: ۱۳۸۷) وی در تقسیم بندی ساختار کلی نوشته‌های کودک و نوجوان پیشنهادی ارائه نکرده است.

انواع نوشته

با تقسیم کردن نوشته‌های کودک و نوجوان به دو بخش ادبی و غیر ادبی می‌توان به راحتی گستره و قلمرو این نوشته‌ها را مرزبندی کرد. تقسیم‌بندی پیشنهادی زیر می‌تواند سایر سرفصل‌های اعتباری را پوشش دهد.
جدول زیر این امکان را نشان می‌دهد:

نوشته‌های غیر ادبی: نمونه (دانستی‌ها)						نوشته‌های ادبی: نمونه (داستان)					
موضوع	زبان	ساختار فنی	فرم و شکل	سبک نوشت	گروه سنی	موضوع	زبان	ساختار فنی	فرم و شکل	سبک نوشته	گروه سنی
علمی	ساده	متداول	کوتاه	واقع‌گرا	۵	مذهبی	ساده	جذیب	طولانی	عجیب واقع	«الف»

با به کارگیری تقسیم بندی فوق از پراکندگی اعتبارات مطرح شده تا حد چشمگیری جلوگیری می‌کنیم. در ابتدای تقسیم بندی لازم است قلمرو متون ادبی از غیر ادبی جدا شود؛ صورت‌نگاریان روس ادبیات را نوعی کاربرد ویژه‌ی زبان می‌دانند که با انحراف از زبان هنجار رخ می‌دهد (دزفولیان: ۱۳۸۴) «با این تعبیر زبان ادبیات با زبان غیرادبیات تفاوت‌هایی دارد. زبان زندگی روزمره، زبانی بدون آرایش و پیرایش، بدون ابهام و ابهام، صریح و روشن است. در حالی که زبان ادبیات زبانی آرایش شده و پر ابهام و ابهام است و گاهی این زبان چند لایه می‌شود و برای شناخت لایه‌های زیرین آن به تأویل و تفسیر نمادها نیاز است. کارکرد زبان روزمره به طور معمول برای آگاهی دهی است. اما کارکرد زبان ادبی تنها برای آگاهی دهی نیست بلکه کارکرد مقدم آن برانگیختن عواطف است. همین کارکرد عاطفی زبان ادبی است که بافت زیبایی را در متن می‌سازد» (همان: ۶۰).

زبان با مکتوب شدن تبدیل به نوشته می‌شود و انتقال مختصات زبانی به نوشتار موجب تمایز نوشته‌ی ادبی و غیر ادبی می‌گردد. در کتاب زبان فارسی اول دبیرستان در توضیح متن ادبی مشخصات زیر تعریف شده است

- ۱ - بیان پیام به طور غیر مستقیم و غیر صریح باشد.
- ۲ - زبان اثر در خدمت آفرینش زیبایی‌های ادبی باشد.
- ۳ - نویسنده در ارائه‌ی نوشته‌ی ادبی مخاطب را با روابط و مناسبات و ظرایف نوشته آشنا سازد.
- ۴ - در نوشته‌های ادبی، نویسنده از آرایه‌های ادبی برای توصیف و تصویر معانی ذهنی و بیان عواطف و احساسات درونی بهره بگیرد.

با دقت در تعبيرات فوق می‌توان گفت در ادبیات کاربرد سه عنصر، ماهیت زیبایی را فراهم می‌سازد:

(۱) زبان با کاربرد عاطفی

(۲) تخیل هنری

(۳) تصویرهای ذهنی خلاق (همان).

لازم به ذکر است هر آن‌چه در گنجای متن ادبی نباشد، متن غیر ادبی به شمار می‌آید.

با مرزبندی انواع نوشته برای کودکان، نویسندگان متون ادبی، قلمرو خود را تعیین می‌نمایند تا آن‌جا که در نوشتن اغلب داستان‌ها، نویسنده در به کارگیری عناصر داستان نوع و ژانر نوشته را در اولویت کار خویش قرار می‌دهد (مک‌گلنی: ۱۹۹۲). متون ادبی کودک و نوجوان تقسیم بندی‌های متفاوتی دارد و در این زمینه نیز میان صاحب نظران اختلاف است. قزل‌ایاغ در تقسیم بندی کلی ادبیات کودکان نوشته‌های ادبی را به سه بخش ادبیات کهن، ادبیات معاصر و ادبیات مستند تقسیم می‌نماید. اما گاه این تقسیم بندی دچار اشکال می‌شود. در کتاب پارسیمان و من نوشته‌ی آرمان آرین در سطح داستان، اسطوره‌ها فانتزی‌سازی می‌شوند و کاراکترها میان زمان حال و آینده در تردد هستند. در چنین مواردی نمی‌توان به سادگی یکی از این تقسیم بندی‌ها را برگزید چون با گزینش هر یک جانب دیگری از دست می‌رود.

شورای کتاب کودک کتاب‌های ادبی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: (۱) داستانی (۲) غیر داستانی (۳) تصویری (۴) شعر (سهراب مافی، ۱۳۷۲) این تقسیم‌بندی نیز بی‌اشکال نیست. بسیاری از کتاب‌های داستان کودک و نوجوان به صورت منظوم و یا شعر ارائه می‌شوند در این صورت کدام جایگاه را می‌توان برای این نوشته‌های ادبی انتخاب کرد؟

گروهی نوشته‌های کودکان را یک کل فرض کرده و آن را با عنوان انواع ادبی این گونه تقسیم کرده اند: «از جمله‌ی این انواع، قصه‌های پندآموز، اسطوره، حماسه، افسانه و قصه‌های پریان... قصه‌های فرهنگ مردم، و کتاب‌های تصویری، دانستنی‌های علمی، داستان‌های رئالیستی، شعر کودک و داستان حیوانات و... است» (پولادی: ۱۳۸۴). با توجه به توضیح فوق آیا می‌توان گفت دانستنی‌های علمی در شمار انواع ادبی می‌گنجد؟ اما اگر متون ادبی بر اساس شکل و قالب تقسیم شوند گوناگونی اشکال مختلف انواع ادبی شکل نظام یافته‌تری پیدا می‌کند. بر اساس این تقسیم بندی انواع ادبی کودک و نوجوان را می‌توان در سه قالب زیر گنجانند:

(۱) متون منثور



۲) متون منظوم

۳) متون دراماتیک

گاهی ممکن است ساختار یک اثر، تلفیقی از این موارد باشد.

متون مثنوی

بخش بزرگی از ادبیات کودک و نوجوان به نثر نوشته شده است. نثر در واژه به معنی پراکندن و در اصطلاح سخنی است که به وزن و قافیه مقید نشده باشد (همایی: ۱۳۶۳). بنابراین کلیه متون مثنوی که در آن از قاعده افزایی و فراهنجاری به خصوص فراهنجاری معنایی و سبکی و گویشی و دستوری و واژگانی استفاده شده باشد (بارانی: ۱۳۸۲) جزو متون مثنوی ادبی شمرده می‌شوند. برای نوشتن نثر ادبی توجه به دایره‌ی واژگانی، دانش اولیه، زبان، میزان نوشته و شیوه‌ی نگارش لازم است. در نوشتن متون مثنوی برای کودکان و نوجوان لازم است به موارد زیر دقت شود:

- از دایره‌ی واژگانی مناسب هر گروه سنی استفاده شود.

- شروع نثر با دانسته‌های مخاطب پیوند داشته باشد.

- نثر خودکفا باشد و به تنهایی بتواند نیاز کودک و نوجوان را برطرف سازد.

- بین مقدمه‌ی متن و پایان رابطه وجود داشته باشد.

- نوشته‌ی مثنوی، نظم منطقی داشته باشد و ذهن خواننده را پراکنده نکند.

- در سراسر متن مثنوی موضوع نوشته گم و فراموش نشود.

- طول نوشته براساس میزان سنی کودک و نوجوان تنظیم شود.

- رعایت قوانین نگارشی درخور دریافت کودک و نوجوان باشد.

- نوشته ساختمانی استوار داشته باشد و پیچیدگی معنایی نداشته باشد.

- عبارات بار عاطفی و احساسی داشته باشد.

- توصیف و تخیل از نثر ادبی فاصله نگیرد.

- نثر پیام داشته باشد.

متون منظوم

بخش دیگری از ادبیات کودک و نوجوان متون منظوم است. صفوی نظم در کلام را گونه‌ای زبان ادبی می‌داند که بر برونی زبان استوار است (صفوی: ۱۳۷۳). با رعایت نظم در کلام نوعی عدول از هنجار رخ می‌دهد و این خود موجب برجسته‌سازی و زیبایی سخن می‌شود؛ در زندگی عادی بسیاری از مسائل پیش یا افتاده وقتی با زبانی آهنگین همراه می‌شوند معنا و حضوری دیگر می‌یابند (آشوری: ۱۳۷۳).

نمی‌توان کتمان کرد که موسیقی و تخیل در کنار زبان مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده‌ی شعر هستند (مشراف: ۱۳۸۴). در حقیقت این عبارت تأکیدی بر تئوری ارسطو در تعریف شعر است چراکه از نظر او نیز ایقاع بر موسیقی و محاکات بر عنصر خیال دلالت می‌کند (ارسطو: ۱۳۴۳). با توجه به این دو نظریه می‌توان گفت مهارت به کارگیری واژه‌ها، هنری است که نویسندگان و شاعران آثار کودک و نوجوان، به آن توجه داشته‌اند و در بهره‌گیری صحیح از آن، تلاش کرده‌اند تا با استفاده‌ی صحیح از چینش واژگان در کنار هم، حس لذت کودکان و نوجوانان را از متن تقویت کنند که با رعایت وزن در شعر کودک و نوجوان به نوعی «معیار موزون و مقفی بودن شعر در تئوری قدامه بن جعفر» (زرین کوب: ۱۳۶۱) نیز تحقق می‌یابد.

متون دراماتیک

سومین جایگاه در متون ادبی کودک و نوجوان، از آن متون دراماتیک است. متن نمایشی یک متن ادبی است که «زمینه‌ی اصلی کنش تقلیدی است... آن‌چه درام را از داستان جدا می‌کند، اجرای نمایش است» (اسلین: ۱۳۷۵) استفاده از دیالوگ^۵ (گفتگوهای بین اشخاص) یا مونولوگ^۶ (تک‌گویی) و شرح حالات و حرکات آن‌ها، برای اجرا شدن بر صحنه‌ی تئاتر یا نمایش عروسکی و انواع دیگر، از مختصات ساختار یک متن نمایشی است. از طرفی دیگر در برخی متون نمایشی گاه ممکن است متن در قالب پانتومیم^۷ (نمایش بی کلام) نگارش شود. چنین متونی در حقیقت شرح حرکات، حالات و اتفاقاتی هستند که به شکل خاص و با رعایت قواعد دستوری و نگارش ادبیات نمایشی نوشته می‌شوند. در هر صورت متون نمایشی، به‌عنوان دستور کاری برای اجرا در صحنه و نقشه‌ی عملیاتی ساختمان نمایشی به کار می‌رود.

لسینگ نظریه‌پرداز و منتقد آلمانی در رساله‌ی «لاکو کون» به تفاوت‌های نظم و نثر در برابر هنرهای دیداری پرداخته است (همان): از نظر او متن نمایشی از جمله متون هنرهای دیداری است. از سویی دیگر نوع نگارش نظم و نثر و متون نمایشی کاملاً

از هم متمایز است. در متون منظوم وزن، قافیه، ساختار بیت، مصراع و بندها تعریف مستقلی دارند. در متون منثور نیز ضوابط متون منظوم رعایت نمی‌شود. در متون منظوم و منثور فن روایت چندان مهم نیست و توضیح حالات و رفتار و شخصیت‌ها و موقعیت‌ها اهمیت ندارد اما در متون نمایشی «متن کلامی نمایشی، با ساختار کلی گفتگوها معنا می‌آفریند... یویایی، تضاد میان بخش‌های کوتاه و بلند، خشن و آرام، تکرار و همنوایی؛ ضرباهنگ نهفته در گفتگوها، مکث‌ها و سکوت‌ها... از درون ساختار واژه‌ها و ضرباهنگ جمله‌ها و زمان‌بندی دقیق خود گفتگوها به گونه‌ای فراگیر و نیرومند مشخص می‌شود» (همان). بنابراین متن دراماتیک واکنش بیش‌تری نسبت به دیگر متون برای مخاطب ایجاد می‌کند و انتقال تجربه‌ی حسی در این نوع متون زیاد است. حسی بودن متن نمایشی سبب می‌شود «بیان نمایش بدون واسطه و مستقیم باشد» (به نقل از امینی: ۱۳۷۰) در حالی که بیان ادبی در متون منظوم و منثور «بیانی انعکاس یافته و یا با واسطه و غیر مستقیم» (همان) است. با این تعبیر توجیه بنده در جداسازی متون نمایشی از متون نظم و نثر در این است که نظم و نثر به خودی خود در رساندن پیام استقلال معنایی دارند اما متون نمایشی با اعمال حرکات و حالات در صحنه تکمیل می‌شود. در خلق اثر برای کودک و نوجوان سه سویه وجود دارد: نویسنده، متن و مخاطب. در نوشتن برای کودک و نوجوان لازم است محدوده‌ی نوشته تعیین شود تا این سه سویه در جهتی هدفمند حرکت کنند.

منابع

- آشوری، داریوش: شعر و اندیشه، تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۷۳.
- ارسطو: فن شعر، ترجمه‌ی عبدالله زرین کوب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۴۳.
- امینی، احمد: ادبیات در سینما داستایفسکی در سینما، تهران: سروش؛ ۱۳۷۰.
- پولادی، کمال: رویکردها و شیوه‌های ترویج خواندن، تهران: موسسه فرهنگی پژوهش تاریخ ادبیات کودکان؛ ۱۳۸۷.
- دزفولیان، کاظم. عباسی، علی: «بهبود زبان فارسی از منظر ادبی». پژوهشنامه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. ش ۴۵-۴۶: ۱۳۸۴.
- ذوالفقاری، حسن: آموزش مهارت‌های نگارشی و ویرایشی، تهران: اساطیر؛ ۱۳۸۲.
- سهراب مافی، معصومه: ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان، تهران: شورای کتاب کودک؛ ۱۳۷۲.
- صفوی، کورش: از زبان شناسی به ادبیات تهران: نشر چشمه؛ ۱۳۷۳.
- قزل‌ایاغ، ثریا: ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران: سمت؛ ۱۳۸۵.
- مشرف، مریم: «موسیقی و تخیل در شعر پژمان بختیاری»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی. بهار و تابستان. ش ۴: ۱۳۸۴.
- همائی، جلال‌الدین: فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: انتشارات توس؛ ۱۳۶۳.

- 1-Devitt, Amy J. (2004). Writing genres. United States of America: Board of Trustees Southern Illinois University.
- 2-Kress, G. (1985). Linguistic Processes in Socio cultural Practice, Victoria, Australia: Deakin University Press.
- 3-Hawks, T. (1983) Structuralism and Semiotics, London: Methuen
- 4-Thacker, Deborah Cogan & Jean Webb. (2002). Introducing Children's Literature From Romanticism to Postmodernism. New York: Routledge
- 5-McGinley, W., & Kamberelis, G. (1992). Personal, social, and political functions of children's reading and writing.
- 6-Wall, Barbara. (1991). The Narrator's Voice. Basingstoke: Macmillan – now Palgrave Macmillan..

پی‌نوشت:

- 1- Carpenter
- 2- J., m Bari
- 3- Barbara wall
- 4- Alcott
- 5- dialogue
- 6- monologue
- 7- pantomime